

فرا تحلیل: سیاست‌گذاری شهر کار آفرین

فواد شیرانی^۱، سهراب دل‌انگیزان^۲، یوسف محمدی فر^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

در دهه‌های اخیر، توجه به توسعه شهرهای کار آفرین به یکی از اولویت‌های اصلی در سیاست‌گذاری‌های شهری، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. این نوع شهرها با فراهم آوردن بسترهای مناسب برای نوآوری، اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی، به‌عنوان موتورهای تحول در عرصه توسعه پایدار شهری شناخته می‌شوند. پژوهش حاضر با رویکرد فرا تحلیل و فراترکیب کیفی، به بررسی مدل‌های سیاست‌گذاری موجود در زمینه شهرهای کار آفرین پرداخته و تلاش دارد تا پیامدهای اجرایی این سیاست‌ها را در بستر زیست‌بوم‌های کار آفرینی شهری تحلیل کرده و چالش‌ها، شکاف‌ها و فرصت‌های موجود را شناسایی کند. برای دستیابی به این هدف، مقالات علمی منتشر شده بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ از پایگاه‌های معتبری همچون: «Google Scholar»، «Scopus»، «JSTOR»، «Web of Science» و «Elsevier» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سه عنصر کلیدی شامل: تقاضا، استعداد و منابع مالی نقش بنیادینی در موفقیت کار آفرینی شهری ایفا می‌کنند. همچنین، رقابت‌های استراتژیک، تراکم و تنوع شهری و سیاست‌های فراگیر شهری به‌عنوان عوامل تقویت‌کننده کار آفرینی در سطح محلی و منطقه‌ای شناخته شده‌اند. در این میان، محیط اجتماعی و فرهنگی شهر نیز تأثیر مستقیمی بر فعالیت‌های کار آفرینانه داشته است و می‌تواند در تسهیل یا مانع آفرینی برای فرآیندهای کار آفرینی نقش داشته باشد. این مقاله بر لزوم طراحی مدل‌های جامع و منسجم سیاست‌گذاری تأکید می‌کند که نه تنها متناسب با شرایط محلی هر شهر باشند بلکه تأثیرات بلندمدت آن‌ها نیز به‌دقت مورد ارزیابی قرار گیرد. در نهایت، نتایج تحقیق می‌تواند به تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان شهری و پژوهشگران کمک کند تا چارچوب‌هایی اثربخش‌تر برای حمایت از کار آفرینی شهری تدوین کرده و گامی مؤثر در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بردارند.

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای
 بهار ۱۴۰۵، سال ۱۶، شماره ۵۸
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶
 انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰
 صفحات: ۲۲-۱



واژه‌های کلیدی:
 سیاست‌گذاری شهر، کار آفرین،
 کار آفرینی فراگیر، اکوسیستم
 کار آفرینی شهری، توسعه اقتصاد
 شهری.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، توجه به ایجاد شهرهای کار آفرین و طراحی سیاست‌های مؤثر برای حمایت از رشد این نوع شهرها، به یکی از موضوعات اصلی در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است (ثنائی‌پور، ۱۳۹۹). شهرهای کار آفرین به‌عنوان محیط‌هایی برای ترویج نوآوری، اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی شناخته می‌شوند. این شهرها فضایی را برای ایجاد کسب‌وکارهای نوپا فراهم می‌کنند که در نهایت می‌تواند منجر به بهبود سطح زندگی، کاهش بیکاری و ارتقای کیفیت اجتماعی در مناطق مختلف شود. در کشورهای در حال توسعه که در پی بهبود ساختارهای اقتصادی و کاهش مشکلات بیکاری هستند، توسعه چنین شهرهایی می‌تواند تأثیرات عمده‌ای در تحقق اهداف توسعه پایدار داشته باشد (دل‌انگیزان و همکاران، ۱۴۰۰). با گسترش فناوری‌های نوین و تغییرات سریع در نیازهای بازار، ایجاد و تقویت سیاست‌های مؤثر برای حمایت از این شهرها ضروری‌تر از همیشه است.

توسعه سیاست‌های موفق برای ایجاد شهرهای کارآفرین، به دلیل پیوستگی با مفاهیمی چون: نوآوری، فناوری‌های پیشرفته و توسعه اقتصادی، امروزه به یکی از دغدغه‌های بزرگ برای برنامه‌ریزان شهری و دولتمردان تبدیل شده است. این اهمیت به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که به دنبال راهکارهایی برای بهبود ساختارهای اقتصادی خود هستند، به شدت مشهود است (سلوورزی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲). در این کشورها، جوامع به دنبال شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌هایی هستند که می‌تواند منجر به ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی مؤثر و پویا در شهرها شود. در این راستا، مدل‌های سیاست‌گذاری در کنار برنامه‌های اجرایی مناسب می‌توانند نقشی اساسی در تحقق این اهداف ایفا کنند. پیشینه تحقیقاتی در زمینه شهرهای کارآفرین و سیاست‌های مرتبط با آن نشان می‌دهد که این حوزه در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است (قربانی، ۱۴۰۱). در این تحقیقات، انواع مدل‌ها و استراتژی‌های مختلف برای حمایت از کارآفرینی شهری معرفی شده است. با این حال، علی‌رغم پیشرفت‌های قابل‌توجه در این حوزه، هنوز چالش‌ها و شکاف‌های زیادی در تحقیقات موجود وجود دارد. یکی از مشکلات عمده، عدم وجود یک مدل جامع و واحد برای سیاست‌گذاری در شهرهای کارآفرین است که بتواند ویژگی‌های خاص هر شهر را به درستی شبیه‌سازی و در سیاست‌ها لحاظ کند (طولابی، ۱۴۰۱). بیشتر مدل‌هایی که تاکنون ارائه شده‌اند، معمولاً بر کارآفرینی در سطح ملی یا منطقه‌ای تمرکز داشته‌اند. به همین دلیل، نتایج آن‌ها همیشه به‌طور کامل قابل استفاده در سطح شهر نیست. این مسئله به‌ویژه در کشورهای مختلف و با ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی متنوع به چشم می‌آید. علاوه بر این، بسیاری از سیاست‌ها بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی و مالی کارآفرینی تمرکز دارند و در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، فرهنگی و زیرساختی که به‌طور مستقیم بر موفقیت کسب‌وکارهای نوپا تأثیر می‌گذارند، اغلب نادیده گرفته می‌شود. این شکاف‌ها و محدودیت‌ها در تحقیقات موجود به‌وضوح نشان‌دهنده نیاز به تحقیق بیشتر و جامع‌تر در این زمینه است (موسوی، ۱۴۰۱). از دیگر چالش‌های موجود می‌توان به پیچیدگی‌های ارزیابی تأثیرات سیاست‌ها اشاره کرد. در بسیاری از موارد، سیاست‌های کارآفرینی به‌صورت آزمایشی در برخی از مناطق شهری پیاده‌سازی می‌شوند اما ارزیابی دقیق و مستمر تأثیرات آن‌ها بر رشد کسب‌وکارهای نوپا و ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی پایدار چندان مورد توجه قرار نگرفته است. علاوه بر این، تأثیرات بلندمدت این سیاست‌ها نیز تا حدودی در پردازش‌های تحقیقاتی مورد غفلت واقع شده است. در ایران که با چالش‌هایی همچون؛ نرخ بالای بیکاری جوانان، تمرکزگرایی اقتصادی در کلان‌شهرها، وابستگی به منابع محدود نفتی و ضعف در تنوع‌بخشی به اقتصاد روبه‌روست، توسعه شهرهای کارآفرین می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد اساسی مطرح شود. چنین شهرهایی با فراهم کردن بستر مناسب برای شکل‌گیری کسب‌وکارهای نوپا، ارتقای نوآوری و حمایت از کارآفرینی اجتماعی و فناورانه، قادرند به توزیع متوازن فرصت‌های اقتصادی در مناطق مختلف کمک کنند. همچنین، ایجاد و تقویت شهرهای کارآفرین می‌تواند به کاهش مهاجرت‌های بی‌رویه به تهران و کلان‌شهرها، رشد متوازن منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شود. برای کشوری همچون ایران که با ظرفیت بالای سرمایه انسانی جوان و تحصیل‌کرده مواجه است، سیاست‌گذاری در جهت ایجاد شهرهای کارآفرین فرصتی ارزشمند برای بهره‌برداری از این ظرفیت و هدایت آن به سمت تولید ثروت، اشتغال پایدار و توسعه پایدار شهری به‌شمار می‌رود. در نهایت، شهر کارآفرین می‌تواند ابزاری کارآمد برای تقویت تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی در برابر بحران‌های ناشی از تحریم‌ها، نوسانات بازار جهانی و چالش‌های زیست‌محیطی باشد و چشم‌اندازی روشن برای آینده توسعه کشور ترسیم کند؛ بنابراین، نیاز به تحقیقاتی جامع که نه تنها به سیاست‌های کوتاه‌مدت بلکه به تأثیرات بلندمدت این سیاست‌ها

بپردازد، احساس می‌شود. هدف اصلی این مقاله مروری، بررسی جامع و تحلیلی از مدل‌های سیاست‌گذاری در زمینه شهرهای کارآفرین است. این مقاله به تحلیل روش‌ها و رویکردهای مختلف در سیاست‌گذاری کارآفرینی شهری به تحلیل چالش‌ها و محدودیت‌های موجود در این زمینه خواهد پرداخت. همچنین، این مطالعه به دنبال ارائه پیشنهادهای برای پرکردن شکاف‌های موجود در تحقیقات و توسعه مدل‌های جامع‌تر برای سیاست‌گذاری کارآفرینی شهری است. یکی از اهداف مهم دیگر این مطالعه، جمع‌بندی و تحلیل نتایج تحقیقات اخیر در این حوزه است تا به واسطه آن، زمینه‌ای برای پیشنهاد تحقیقات آینده فراهم گردد. اهمیت این مطالعه در آن است که می‌تواند به سیاست‌گذاران و محققان کمک کند تا بتوانند استراتژی‌های مؤثرتری برای حمایت از ایجاد شهرهای کارآفرین طراحی کنند. علاوه بر این، این مطالعه به‌عنوان یک مرجع علمی می‌تواند راهگشای گام‌های بعدی در تحقیقات علمی و اجرایی در زمینه توسعه شهری و کارآفرینی باشد. در بخش‌های بعدی، ابتدا به بررسی پیشینه و وضعیت کنونی تحقیقات در زمینه سیاست‌گذاری برای شهرهای کارآفرین پرداخته خواهد شد. سپس، مدل‌های مختلف سیاست‌گذاری و روش‌های اجرایی بررسی شده و چالش‌های موجود در هر یک از این مدل‌ها تحلیل خواهد گردید. در نهایت، نتایج و پیشنهادهای برای تحقیقات آینده ارائه خواهد شد. این مطالعه در تلاش است تا نه تنها نقاط قوت و ضعف سیاست‌های موجود را بررسی کند بلکه به ارائه راهکارهایی برای بهبود و توسعه مدل‌های سیاست‌گذاری در جهت ایجاد شهرهای کارآفرین بپردازد.

مبانی نظری

در ادبیات موضوع، روش‌های مختلفی برای سیاست‌گذاری شهری و برنامه‌ریزی وجود دارد که در این تحقیق به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. در برخی موارد، این سیاست‌ها از طریق همکاری‌های سازمانی و مشاوره‌ای میان شهرداری‌ها و مراکز علمی به‌طور هماهنگ توسعه می‌یابند. در این روش‌ها، مشاوران با استفاده از مدل‌های علمی، تحلیل‌های آماری و مطالعات مقایسه‌ای، سیاست‌ها را تعیین کرده و راهکارهای اجرایی آن‌ها را به شهرداری‌ها پیشنهاد می‌دهند. این فرایندها به‌ویژه در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها رایج هستند که نیاز به سیاست‌های جامع و پیچیده‌تری دارند. در مقیاس‌های کوچکتر، مانند شهرهای کوچک و متوسط، این سیاست‌گذاری ممکن است از پایین به بالا انجام شود، به‌ویژه زمانی که شهرداری‌ها خود برنامه‌های توسعه‌ای را طراحی و پیاده‌سازی می‌کنند. در این‌جا، فرایند سیاست‌گذاری ممکن است براساس بازخوردهای مردمی، نیازهای فوری منطقه‌ای و در نظر گرفتن وضعیت خاص هر شهر تنظیم شود. در نهایت، برای تحلیل این روش‌ها و انتخاب مناسب‌ترین مدل سیاست‌گذاری، لازم است که یک دسته‌بندی واضح از شهرها براساس ابعاد مختلف آن‌ها انجام شود.

نظریه اکوسیستم نوآوری : این نظریه بر وابستگی متقابل بین نهادها، بازیگران، منابع و محیط تأکید دارد. در مدل این مقاله نیز سه عنصر؛ «تقاضا»، «استعداد انسانی» و «منابع مالی» درون یک اکوسیستم پویا تعریف می‌شوند که رشد آن‌ها مستلزم تعاملات میان نهادهای مختلف (دولت، بازار، دانشگاه) است. اکوسیستم نوآوری به شبکه‌ای پویا از بازیگران مختلف مانند شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، نهادهای دولتی، سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان گفته می‌شود که در تعامل مستمر با یکدیگر زمینه‌ساز شکل‌گیری و گسترش نوآوری هستند؛ این زیست‌بوم با اتکا به جریان دانش، سرمایه، همکاری‌های پژوهشی و زیرساخت‌های نهادی و فرهنگی، نوعی هم‌افزایی ایجاد می‌کند که فراتر از

توان تک تک اجزا عمل کرده و امکان رشد اقتصادی، توسعه فناوری و افزایش رقابت پذیری را فراهم می‌سازد (تسوجیموتو و همکاران، ۲۰۱۸: جاکوبیدس و همکاران، ۲۰۱۸).

نظریه حکمرانی شهری تطبیقی: حکمرانی شهری تطبیقی به رویکردی گفته می‌شود که در آن شیوه‌های اداره و مدیریت شهرها در مناطق مختلف جهان با هم مقایسه و تحلیل می‌شوند تا شباهت‌ها، تفاوت‌ها و عوامل موفقیت یا ناکامی آن‌ها مشخص شود. در این نگاه، موضوعاتی مانند: ساختار نهادی، نقش دولت محلی، میزان مشارکت شهروندان، سیاست‌های توسعه پایدار، مدیریت منابع شهری، فناوری‌های نوین و عدالت اجتماعی در بسترهای گوناگون فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بررسی می‌شود. هدف از این مقایسه، دستیابی به درکی عمیق‌تر از تجربه‌های متنوع شهری و الهام‌گیری برای طراحی سیاست‌ها و مدل‌های کارآمدتر حکمرانی است تا شهرها بتوانند در برابر چالش‌هایی همچون؛ رشد جمعیت، تغییرات اقلیمی، نابرابری اجتماعی و نیاز به نوآوری بهتر عمل کنند (پیره و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۰۱۴).

نظریه کارآفرینی مشارکتی: این دیدگاه بر نقش شبکه‌ها، سرمایه اجتماعی و مشارکت‌های داوطلبانه برای پیشبرد نوآوری در سطح محلی تأکید دارد. در مدل حاضر نیز رقابت‌های استراتژی، رویدادهای نوآوری و نهادهای واسط، به‌عنوان سازوکارهای تقویت تعاملات اجتماعی و تقاضای کارآفرینانه معرفی شده‌اند. نظریه «کارآفرینی مشارکتی» بر این باور است که فرآیند خلق و توسعه کسب‌وکار نه تنها نتیجه ابتکار و تلاش یک فرد کارآفرین بلکه حاصل همکاری و هم‌افزایی گروهی از افراد و نهادهاست. در این رویکرد، کارآفرینی به‌جای آن‌که صرفاً بر شجاعت فردی یا توانایی‌های یک بنیان‌گذار تکیه کند، بر شبکه‌ای از روابط اجتماعی، سرمایه‌های فکری، منابع مشترک و تعامل مستمر میان بازیگران مختلف استوار است. مشارکت می‌تواند در سطح داخلی (میان اعضای تیم کارآفرین)، در سطح بین‌سازمانی (میان شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، نهادهای مالی و دولت) یا حتی در سطح اجتماعی (مشارکت جامعه محلی در توسعه یک ایده) شکل گیرد. این نظریه به‌ویژه بر اهمیت اعتماد، شفافیت، تقسیم منافع، یادگیری جمعی و خلق ارزش مشترک تأکید دارد و نشان می‌دهد که نوآوری پایدار و توسعه اقتصادی، زمانی امکان‌پذیر است که کارآفرینی به یک فرآیند جمعی و شبکه‌ای تبدیل شود، نه صرفاً یک فعالیت فردی (فرناندز-گواندانو و همکاران، ۲۰۲۰: رضازاده و نوبری، ۲۰۱۸).

مفهوم شهر کارآفرین: به گفته بیدولف^۵ (۲۰۱۱) «چه چیزی یک شهر را کارآفرین می‌سازد و این گرایش چه تفاوتی با آن‌چه پیش از آن وجود داشته است دارد، هنوز تا حدی مبهم است». به‌همین ترتیب، جسوپ و سام^۶ (۲۰۰۰) اشاره می‌کنند که «علاقه گسترده‌ای میان سیاست‌گذاران و ناظران به شهر کارآفرین مشاهده می‌شود» اما هم‌زمان اظهار می‌کنند که «کمتر واضح است که دقیقاً تبدیل شدن به یک شهر کارآفرین شامل چه چیزی می‌شود». یکی از نخستین پژوهشگرانی که این اصطلاح را به کار برد، هاروی^۷ (۱۹۸۹) است. او افزایش مشارکت دولت‌های محلی در فعالیت‌های توسعه‌محور را مشاهده کرده و آن را به‌عنوان گذر «از مدیریت‌گرایی به

¹ Tsujimoto

² Jacobides

³ Pierre

⁴ Fernandez-Guadano

⁵ Biddulph

⁶ Jessop & Sum

⁷ Harvey

کارآفرینی» طبقه‌بندی می‌کند. پس از او، شورت و کیم (۱۹۸۹) از اصطلاح «شهر کارآفرین» برای توصیف رویکرد فعال دولت‌های شهری آمریکا در حوزه نوسازی شهری استفاده کردند. از آن زمان، مفهوم شهر کارآفرین در معانی مختلف و گاه متضاد به کار رفته است.

جسوپ و سام (۲۰۰۰) تأکید می‌کنند که این استدلال، شهرها را صرفاً به‌عنوان موتورهای خلق ثروت می‌بیند و بنابراین، «نمی‌تواند آنچه در مورد نقش نوآورانه شهرهای کارآفرین در انباشت سرمایه تازه است را به‌خوبی نشان دهد» در نهایت، برخی نویسندگان نقش کارآفرینی شهری را بسیار محدود می‌دانند. شهر کارآفرین معمولاً به‌عنوان واکنشی به رقابت میان‌شهری دیده می‌شود؛ جایی که شهرهای مختلف برای جلب توجه اقتصاد جهانی در حال رقابت هستند (شورت و کیم، ۱۹۹۸؛ لیتنر و شپارد، ۱۹۹۸؛ هابارد، ۱۹۹۶).

رقابت میان‌شهری یک پدیده کلیدی است که معمولاً به‌عنوان نتیجه افزایش تحرک تولید، سرمایه و اطلاعات تفسیر می‌شود (هاروی، ۱۹۸۹). در شرایطی که شهرها با رکود اقتصادی و فرآیندهای صنعتی‌زدایی مواجه هستند، تنها راه باقی‌مانده برای آنها، افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی از طریق سیاست‌های فعال رشد است (فاینستین، ۱۹۹۶). این دیدگاه در میان سیاست‌گذاران رایج است (لیتنر و شپارد، ۱۹۹۸)، هرچند برخی پژوهشگران نگاه متوازن‌تری نسبت به رابطه بین جهانی‌سازی اقتصادی و شهر کارآفرین ارائه می‌دهند و بیان می‌کنند که تحرک سرمایه، تهدیدی بالقوه است و نه یک واقعیت با اثرات یکسان برای همه شهرها (شورت و کیم، ۱۹۹۹).

زیست‌بوم کارآفرینی:

در حالی که اصطلاح «کارآفرینانه» و معنای آن هنگام توصیف یک اکوسیستم کارآفرینی تا حدی شهودی به-نظرمی‌رسد، واژه اکوسیستم نیاز به توضیح بیشتری دارد (استم، ۲۰۱۵). اکوسیستم یک سیستم پیچیده است که میزبان مجموعه‌ای از موجودیت‌هاست. مفهوم اکوسیستم عمدتاً در زیست‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است؛ برای نخستین بار توسط (تانسلی، ۱۹۳۵) معرفی شد و در ابتدا به‌عنوان یک سیستم تعاملی از موجودات زنده؛ یعنی مؤلفه‌های زیستی - درون محیط فیزیکی آنها - یعنی مؤلفه‌های غیرزیستی - تعریف گردید (استم و ون دی ون، ۲۰۲۱).

براساس تشابه‌های مکانیزم انتخاب که از زیست‌شناسی تکاملی داروین گرفته شده‌اند، این نویسندگان نخستین نظریه‌های اقتصادی تکاملی را طراحی کردند. بعداً، مفهوم اکوسیستم وارد ادبیات مدیریت شد، ابتدا توسط ایانسیتی و لوین (۲۰۰۴) معرفی گردید. به گفته مور، «اکوسیستم‌های کسب‌وکار از گردابه اصلی سرمایه، علاقه مشتری و استعدادهای ناشی از نوآوری جدید متبلور می‌شوند، درست همان‌گونه که گونه‌های موفق از منابع طبیعی نور خورشید، آب و مواد مغذی خاک پدید می‌آیند».

به عبارت دیگر، اکوسیستم کسب‌وکار شبکه‌ای از سازمان‌های بهم‌پیوسته است که حول یک شرکت محوری یا

¹ Short & Kim

² Leitner & Sheppard

³ Hubbard

⁴ Fainstein

⁵ Stam

⁶ Tansley

⁷ Stam & van de Ven

⁸ Iansiti & Levien

پلتفرم فعالیت می‌کنند (تیسه؛ ۲۰۰۷). این تشابه با اکوسیستم‌های زیستی در حقیقت به پیچیدگی روابط و وابستگی‌های متقابل اشاره دارد که ویژگی مشترک اکوسیستم‌های کسب‌وکار نیز محسوب می‌شود؛ هم از نظر ماهیت و هم از نظر نحوه تعامل بازیگران علاقه‌مند.

مروری بر مطالعات انجام‌شده

جدول ۱ به صورت خلاصه، مروری بر مطالعات انجام‌شده را نشان می‌دهد. بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری در حوزه «شهر کارآفرین» بر پایه فهم عمیق از عناصر اکوسیستم کارآفرینی، بسترهای اجتماعی-فرهنگی و سازوکارهای حکمرانی شهری شکل می‌گیرد. پژوهش‌ها از یک سو بر اهمیت عناصر کلیدی اکوسیستم مانند: تقاضا، سرمایه انسانی و منابع مالی (کوینسنر و همکاران، ۲۰۲۴) و نقش تعامل میان آن‌ها در تقویت فعالیت‌های کارآفرینانه تأکید کرده‌اند؛ از سوی دیگر، به ابعاد نوظهوری چون کارآفرینی سبز و پایدار در مدیریت شهری (آموسی و همکاران، ۱۴۰۳) و همچنین فرآیندهای سیاستی و اجتماعی در شهرهای بزرگ (رضوانی و همکاران، ۱۴۰۲) پرداخته‌اند. مطالعاتی مانند استولز (۲۰۲۲) و شکیبیا و همکاران (۲۰۲۲) بر ابزارهای سیاستی نظیر رقابت‌های استارت‌آپی و کارآفرینی فراگیر به عنوان محرک‌های نوآوری و توانمندسازی اجتماعی تأکید دارند در حالی که تحقیقات توسلی و همکاران (۲۰۲۱) و پنکو و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهند عوامل اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی شهرها نیز نقشی جدی در کیفیت کارآفرینی ایفا می‌کنند. همچنین، پژوهش‌هایی مانند لاورمن (۲۰۱۸) و هی و همکاران (۲۰۱۸) اهمیت حکمرانی شهری انعطاف‌پذیر و چندسطحی را در مواجهه با چالش‌های اقتصادی و جهانی شدن برجسته کرده‌اند. در این میان، آدرستچ و همکاران (۲۰۲۱) نیز بر هم‌افزایی میان نهادهای شهری، دانشگاهی و سیاست‌گذاران به عنوان عاملی کلیدی در تحریک نوآوری تأکید کرده‌اند. در نهایت، مطالعاتی چون دیودسون گلیسون (۲۰۱۴) و دانستام (۲۰۰۴) بعد نظری و انتقادی موضوع را برجسته ساخته و نشان داده‌اند که شهر کارآفرین نه صرفاً یک واقعیت اقتصادی بلکه پدیده‌ای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در پیوند با جهانی‌شدن و روایت‌های ایدئولوژیک معنا می‌یابد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه سیاست‌گذاری برای شهر کارآفرین نیازمند رویکردی چندبعدی است که در آن عوامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی و حکمرانی به صورت یکپارچه و تعاملی دیده شوند. همچنین، پژوهش‌های آینده باید بیشتر بر تعامل میان عناصر مختلف اکوسیستم، پایداری بلندمدت سیاست‌ها و تفاوت‌های بسترهای شهری تمرکز کنند تا امکان ارائه الگوهای عملیاتی‌تر برای سیاست‌گذاری شهر کارآفرین فراهم گردد.

جدول ۱. مروری بر مطالعات انجام شده

نویسنده/سال	هدف مطالعه	روش	یافته‌های کلیدی
کویسنر ^۱ و همکاران (۲۰۲۴)	بررسی رابطه عناصر اکوسیستم کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینی منطقه‌ای	فراتحلیل	سه عنصر کلیدی: تقاضا، استعداد، امور مالی برای موفقیت کارآفرینی منطقه‌ای مهم هستند
آموسی و همکاران (۱۴۰۳)	توسعه مدل کارآفرینی سبز در مدیریت پسماند شهری	طراحی مدل مفهومی	عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر با راهبردهای حمایتی به توسعه پایدار منجر می‌شوند
رضوانی و همکاران (۱۴۰۲)	طراحی الگوی سیاست و فرآیند توسعه کارآفرینی شهری تهران	مصاحبه با خبرگان، تحلیل سه مرحله‌ای	عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قوانین و حکمرانی بر توسعه کارآفرینی اثر دارند
استولز ^۲ (۲۰۲۲)	نقش رقابت‌های استارت‌آپ در اکوسیستم کارآفرینی	متاآنالیز و مطالعه مسابقات	رقابت‌ها شبکه‌سازی و یادگیری کارآفرینی را تقویت می‌کنند
شکیبا و همکاران (۲۰۲۲)	تحلیل سیاست‌های اکوسیستم کارآفرینی فراگیر	فراتحلیل کیفی	۱۷ مفهوم و ۹ خط مشی شناسایی شد، کاهش فقر و تقویت پایداری اجتماعی
توسلی و همکاران (۲۰۲۱)	تأثیر سرریز دانش و بازبودن روان‌شناختی	تحلیل شهری	تراکم و تنوع شهری کیفیت کارآفرینی را تا ۳۵٪ افزایش می‌دهد
پنکو ^۳ و همکاران (۲۰۱۹)	تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی بر کارآفرینی در اتحادیه اروپا	تحلیل داده‌های شهری	محیط اجتماعی و فرهنگی اثر بیشتری نسبت به عوامل اقتصادی دارد
پاریرا ^۴ (۲۰۱۹)	بررسی جنبه‌های کارآفرینی شهری	تحلیل نظری	سه تعریف کارآفرینی: نوآوری، جستجوی فرصت، یادگیری؛ تمرکز بر تقاطع با اقتصاد شهری
لاورمن ^۵ (۲۰۱۸)	بررسی شیوه‌های حکمرانی شهری	تحلیل سیاست	حکمرانی انعطاف‌پذیر می‌تواند کارآفرینی را تقویت کند
هی و همکاران (۲۰۱۸)	تحرك سیاست‌ها و تلاش‌های کارآفرینانه در شهر کوچک	مطالعه موردی	سیاست‌های کارآفرینی از تقلید و انتشار پیروی می‌کنند و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند
آدرستج ^۶ و همکاران (۲۰۲۱)	پیوند نهادهای شهری، دانشگاه و سیاست‌گذاران	تحلیل تجربی	نقش مهم در تحریک نوآوری و تقویت زیست‌بوم کارآفرینی
دیودسون گلیسون ^۷ (۲۰۱۴)	بررسی پایداری شهری	رویکرد اکولوژی سیاسی	سازمان‌های بین‌المللی محدود به ترویج نئولیبرالیسم هستند؛ برخی روندها قدرت اجتماعی را توزیع می‌کنند
دانستام ^۸ (۲۰۰۴)	تئوری‌ها و سیاست‌های شهرهای کارآفرین	تحلیل نظری	چارچوب برای تحلیل حکمرانی شهری و سیاست‌های رشدگرا

(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

¹ Queissner

² Stolz

³ Penco

⁴ Pereyra

⁵ Lauer mann

⁶ He

⁷ Audretsch

⁸ Davidson & Gleeson

⁹ Danne stam

روش تحقیق

نوع و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات ثانویه و مروری نظام‌مند است که با بهره‌گیری از رویکرد فراتحلیل انجام شده است. در این روش تلاش شده تا یافته‌های پژوهش‌های پیشین در حوزه سیاست‌گذاری شهرهای کارآفرین گردآوری، مقایسه و یکپارچه‌سازی شوند تا الگوی مفهومی جامع‌تری برای تحلیل این موضوع ارائه گردد. واحد تحلیل در این مطالعه، مقالات علمی منتشرشده در حوزه کارآفرینی شهری و سیاست‌گذاری مرتبط با آن است. انتخاب مطالعات براساس معیارهایی چون؛ زمان انتشار، کیفیت علمی، ارتباط مستقیم با موضوع و دسترسی به داده‌های مورد نیاز صورت گرفته است.

هدف تحقیق

هدف اصلی پژوهش، شناسایی و ترکیب نتایج تحقیقات موجود برای ارائه یک چارچوب مفهومی جامع در زمینه سیاست‌گذاری شهرهای کارآفرین است. این پژوهش می‌کوشد با مرور نظام‌مند مطالعات پیشین، شکاف‌های موجود در ادبیات را برجسته ساخته و مسیرهای پژوهشی آینده را پیشنهاد دهد. علاوه بر این، نتایج فراتحلیل می‌تواند به سیاست‌گذاران شهری و ملی کمک کند تا از تجربیات موفق و ناموفق دیگر کشورها درس گرفته و در تدوین سیاست‌های بومی‌شده برای توسعه شهرهای کارآفرین بهره‌برداری کنند. استفاده از روش فراتحلیل به این دلیل انتخاب شده که حوزه سیاست‌گذاری شهر کارآفرین در ایران و جهان با پراکندگی زیاد در مدل‌ها، رویکردها و نتایج مواجه است. این روش امکان یکپارچه‌سازی نتایج متنوع، بررسی میزان اثرگذاری متغیرها و کشف الگوهای مشترک و ناسازگار را فراهم می‌سازد.

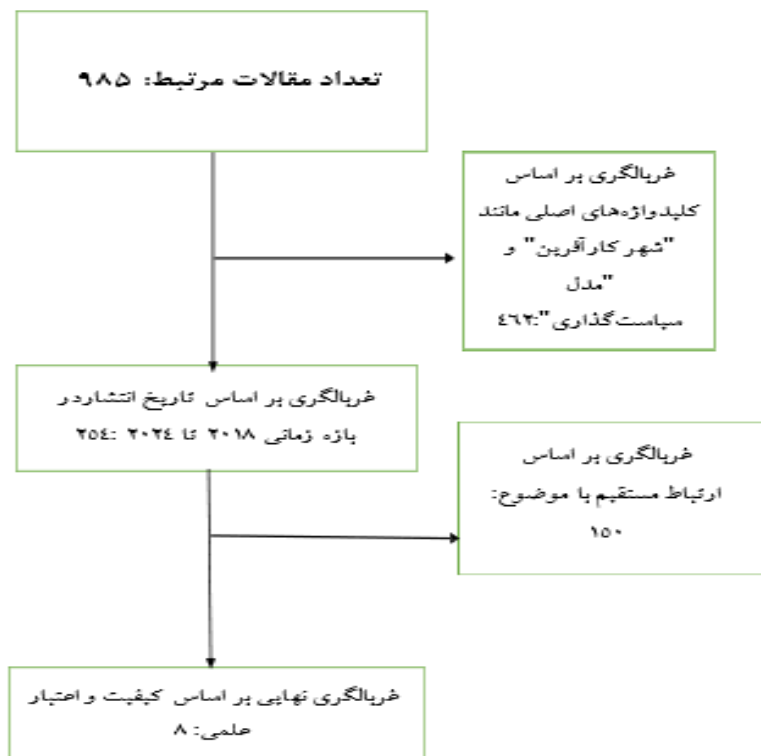
منابع داده‌ای

برای جمع‌آوری منابع علمی مرتبط با موضوع «مدل سیاست‌گذاری شهر کارآفرین»، از پایگاه‌های داده معتبر در حوزه‌های مدیریت شهری، اقتصاد و کارآفرینی استفاده شد. این پایگاه‌ها شامل: «Google Scholar»، «Scopus»، «JSTOR»، «Web of Science» و «Elsevier» هستند که منابع علمی مرتبط با سیاست‌گذاری‌های شهری، اکوسیستم‌های کارآفرینی و نوآوری‌های اقتصادی را پوشش می‌دهند. انتخاب این پایگاه‌ها به دلیل دسترسی به مقالات علمی معتبر و جامع در زمینه سیاست‌های شهری و توسعه کارآفرینی صورت گرفت. در ابتدا، جستجوهای گسترده‌ای در هر یک از این پایگاه‌ها با استفاده از کلمات کلیدی چون: «شهر کارآفرین»، «سیاست‌گذاری شهر کارآفرین»، «اکوسیستم کارآفرینی شهری»، «مدل‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی» و «مدیریت شهری» انجام شد. پس از جستجو، تعداد X مقاله اولیه از Google Scholar، Y مقاله از Scopus، Z مقاله از JSTOR و W مقاله از Web of Science و V مقاله از Elsevier استخراج شد. برای انتخاب دوره زمانی، بازه ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ به طور خاص انتخاب شد. دلیل این انتخاب، تمرکز بر پیشرفت‌های اخیر در سیاست‌گذاری‌های شهری و تغییرات چشمگیر در اکوسیستم‌های کارآفرینی پس از پاندمی کرونا است. تغییرات اقتصادی و اجتماعی ناشی از بحران کرونا تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌های شهری و نوآوری‌های کارآفرینی داشتند که باعث ایجاد مدل‌های جدیدی در سیاست‌گذاری شهری شدند. این دوره به‌ویژه برای بررسی این تحولات و تأثیرات جدید بر روی شهرهای کارآفرین مناسب است. همچنین، بررسی مقالات پیش از سال ۲۰۱۸ ممکن است مدل‌ها و رویکردهایی را در بر گیرد که با چالش‌های نوین شهری و اقتصادی

هم‌راستا نبوده و به‌طور کامل بازتاب‌دهنده تغییرات اخیر نباشند. این انتخاب به‌ویژه برای شناسایی و تحلیل پیشرفت‌های اخیر و دیدگاه‌های جدید در زمینه سیاست‌گذاری و توسعه کارآفرینی شهری اهمیت دارد.

معیارهای انتخاب/حذف مقالات

در فرآیند انتخاب و حذف مقالات برای این مقاله، مراحل مشخصی با استفاده از معیارهای دقیق و مستند اعمال شد. ابتدا جستجوی گسترده‌ای با استفاده از پایگاه‌های داده معتبر؛ «Google Scholar»، «Scopus»، «JSTOR»، «Web of Science» و «Elsevier» انجام گرفت. از طریق کلمات کلیدی مانند: «شهر کارآفرین»، «سیاست‌گذاری شهر کارآفرین»، «اکوسیستم کارآفرینی شهری»، «مدل‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی» و «مدیریت شهری»، ۲۵۵ مقاله از Google Scholar، ۳۰۲ مقاله از Scopus، ۴۲۱ مقاله از JSTOR، ۸۵ مقاله از Web of Science و ۶۵ مقاله از Elsevier استخراج شد. در مرحله اول غربالگری، مقالاتی که به‌طور مستقیم به مدل‌های سیاست‌گذاری در شهرهای کارآفرین و اکوسیستم‌های کارآفرینی پرداخته بودند، انتخاب شدند. مقالات غیرمرتبط با موضوع اصلی، مانند آن‌هایی که به سیاست‌گذاری در حوزه‌های دیگر مانند محیط‌زیست یا آموزش پرداخته بودند، حذف شدند. پس از این مرحله، تعداد مقالات به A مقاله رسید. در مرحله بعدی، تنها مقالاتی که در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ منتشر شده بودند، باقی‌ماندند. این انتخاب به‌منظور بهره‌گیری از تحلیل‌های نوین و دیدگاه‌های جدید در زمینه سیاست‌گذاری و کارآفرینی شهری بود. مقالاتی که پیش از سال ۲۰۱۸ منتشر شده بودند، از فرآیند حذف شدند و تعداد مقالات پس از این مرحله به B مقاله رسید. در مرحله سوم، مقالاتی که به‌طور مستقیم به تحلیل مدل‌های سیاست‌گذاری و تأثیر آن‌ها بر کارآفرینی شهری پرداخته بودند، نگهداری شدند و مقالاتی که ارتباط ضعیفی با این موضوع داشتند، حذف گردیدند. پس از این مرحله، تعداد مقالات به C مقاله رسید. در نهایت، برای اطمینان از کیفیت علمی منابع، مقالات باقی‌مانده از نظر اعتبار و کیفیت بررسی شدند و تنها مقالات منتشرشده در نشریات معتبر و مراجع شناخته‌شده به‌عنوان منابع نهایی پذیرفته شدند. پس از این مرحله، تعداد مقالات نهایی به ۸ مقاله رسید که برای تحلیل و بررسی انتخاب شدند. این فرآیند دقیق و مستند، تضمین می‌کند که منابع منتخب، مرتبط و علمی بوده و به‌طور کامل با اهداف پژوهش هماهنگ باشند (شکل ۱).



شکل ۱- فرآیند انتخاب مقالات مروری براساس معیارهای مشخص

(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

کلیدواژه‌های جستجو

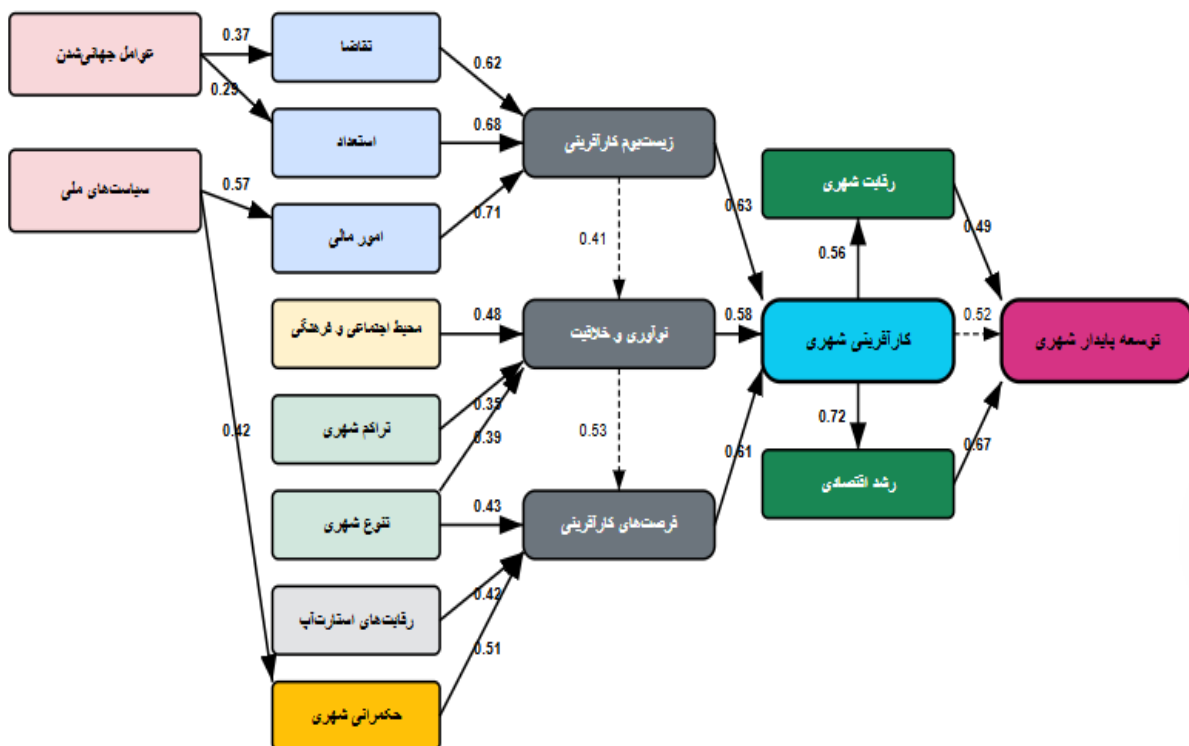
برای جستجو و شناسایی منابع مرتبط با موضوع «مدل سیاست‌گذاری شهر کارآفرین»، از ترکیب کلیدواژه‌های خاصی استفاده شد که به‌طور ویژه بر مفاهیم کارآفرینی شهری و اکوسیستم‌های کارآفرینی تمرکز داشتند. کلیدواژه‌های انتخابی شامل: «سیاست‌گذاری شهر کارآفرین»، «اکوسیستم کارآفرینی شهری»، «مدل‌های سیاست‌گذاری در شهرهای کارآفرین»، «پشتیبانی از کارآفرینی شهری»، «تحلیل اکوسیستم کارآفرینی» و «کارآفرینی و توسعه شهری» بودند. این کلیدواژه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شدند تا منابع مرتبط با تحلیل مدل‌های سیاست‌گذاری و تأثیر آن‌ها بر کارآفرینی شهری را شناسایی کنند. علاوه بر این، از ترکیب کلیدواژه‌هایی نظیر: «توسعه اقتصادی شهری» و «سیاست‌های نوآوری شهری» نیز برای گسترده‌تر کردن دامنه جستجو استفاده شد. تمرکز اصلی بر منابعی بود که تحلیل‌های عمیقی از سیاست‌ها و مدل‌های کارآفرینی در سطح شهری و منطقه‌ای ارائه می‌کردند.

یافته‌های تحقیق

مدل مفهومی شهر کارآفرین (شکل ۲) براساس مقالات مورد مطالعه، یک چارچوب جامع برای تحلیل و ارزیابی توسعه کارآفرینی در سطح شهری است. این مدل نشان می‌دهد که عوامل جهانی‌شدن از طریق اثرگذاری بر نقش‌ها (۰/۳۷) و استعداد (۰/۲۳) و همچنین سیاست‌های ملی از طریق امور ملی (۰/۵۷) بر زیست‌بوم کارآفرینی اثر می‌گذارند؛ به‌گونه‌ای که نقش‌ها (۰/۶۲)، استعداد (۰/۶۸) و امور ملی (۰/۷۱) همگی زیست‌بوم کارآفرینی را

تقویت می‌کنند. در کنار آن، محیط اجتماعی و فرهنگی (۰/۴۸) و تراکم شهری (۰/۳۹) بر نوآوری و خلاقیت اثر دارند در حالی که تنوع شهری (۰/۴۳)، رقابت‌های استارت‌آپی (۰/۴۳) و حکمرانی شهری (۰/۵۱) موجب شکل‌گیری فرصت‌های کارآفرینی می‌شوند. این عوامل نهایتاً سه مسیر اصلی برای تقویت کارآفرینی شهری را می‌سازند: زیست‌بوم کارآفرینی (۰/۶۳)، نوآوری و خلاقیت (۰/۵۸) و فرصت‌های کارآفرینی (۰/۵۶). کارآفرینی شهری نیز خود به‌طور قوی رشد اقتصادی (۰/۷۲) و رقابت شهری (۰/۵۶) را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و به‌طور مستقیم نیز بر توسعه پایدار شهری با ضریب (۰/۵۲) اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، رشد اقتصادی (۰/۶۷) و رقابت شهری (۰/۴۹) هر دو به توسعه پایدار شهری منجر می‌شوند. در مجموع، قوی‌ترین مسیر غیرمستقیم توسعه پایدار شهری از طریق کارآفرینی شهری به رشد اقتصادی و سپس توسعه پایدار است که بیانگر نقش محوری کارآفرینی در پیوند سیاست‌های کلان و ویژگی‌های شهری با پایداری توسعه است. این مدل بر تعاملات پیچیده و هم‌افزایی بین مؤلفه‌ها، ابعاد و بازیگران مختلف تأکید دارد. از مطالعات مختلف (هی و همکاران، ۲۰۱۸؛ توسلی و همکاران، ۲۰۲۱؛ شکیبا و همکاران، ۲۰۲۲؛ استولز، ۲۰۲۲؛ کویسنر و همکاران، ۲۰۲۴) می‌توانیم اجزا و بازیگران اصلی را استخراج کنیم که در ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی شهری مؤثر هستند. هدف اصلی این مدل ایجاد یک محیط شهری است که از طریق هم‌افزایی این اجزا، کارآفرینی را تقویت کرده و موجب رشد اقتصادی پایدار شود. یکی از اولین مؤلفه‌های کلیدی در این مدل، تقاضا است که در واقع به نیازهای بازار و جامعه اشاره دارد. هنگامی که تقاضا برای کالاها و خدمات جدید در یک شهر افزایش می‌یابد، این امر به کارآفرینان فرصتی برای ایجاد کسب‌وکارهای نوپا و تأسیس استارت‌آپ‌ها می‌دهد. براساس تحقیقات کویسنر و همکاران (۲۰۲۴) تقاضا به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در موفقیت کارآفرینی در سطح شهری شناخته شده است زیرا این عامل به‌طور مستقیم با توانمندی کارآفرینان برای ایجاد نوآوری‌ها و کسب‌وکارهای جدید مرتبط است. در کنار تقاضا، عنصر دیگری که در مدل مفهومی شهر کارآفرین مورد توجه قرار گرفته، منابع انسانی و استعداد است. منابع انسانی شامل کارآفرینان و افراد ماهر است که در ایجاد کسب‌وکارهای جدید نقش دارند. براساس مطالعه توسلی و همکاران (۲۰۲۱) نیروی انسانی ماهر و کارآفرین یکی از ارکان اصلی در رشد و توسعه کارآفرینی شهری است چرا که این افراد قادر به بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در بازار و توسعه نوآوری‌های جدید هستند. به‌همین دلیل، تقویت استعدادها و جذب نیروی انسانی ماهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امور مالی، که به تأمین منابع مالی برای استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای نوپا پرداخته است، یکی از اجزای مهم دیگر در این مدل است. دسترسی به منابع مالی، به‌ویژه در مراحل اولیه راه‌اندازی کسب‌وکار، برای هر کارآفرینی حیاتی است. این موضوع در تحقیق استولز (۲۰۲۲) که به تأثیر رقابت‌های استارت‌آپ و استفاده از منابع مالی اشاره کرده است، به‌طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته است. حمایت‌های مالی از استارت‌آپ‌ها می‌تواند موجب رشد سریع‌تر آن‌ها و تسهیل فرایندهای تجاری‌سازی ایده‌ها شود. یکی دیگر از اجزای این مدل، محیط اجتماعی و فرهنگی است که به نقش فرهنگ کارآفرینی و حمایت اجتماعی از کارآفرینان اشاره دارد. در این زمینه، مطالعه شکیبا و همکاران (۲۰۲۲) به اهمیت اکوسیستم‌های کارآفرینی شهری فراگیر تأکید کرده‌اند. این اکوسیستم‌ها با فراهم کردن فرصت‌های یادگیری و همکاری، به ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی مؤثر برای کارآفرینان کمک می‌کنند. همچنین، محیط اجتماعی و فرهنگی که از کارآفرینان حمایت می‌کند، می‌تواند موجب تسهیل فرآیند کارآفرینی و کاهش موانع اجتماعی و فرهنگی موجود شود. رقابت‌های استارت‌آپ و مدل‌های فراگیر شهری نیز به‌عنوان ابزارهای سیاستی در این مدل مورد توجه قرار گرفته‌اند. رقابت‌های استارت‌آپ نه تنها

فرصتی برای کارآفرینان به منظور نمایش ایده‌های نوآورانه ایجاد می‌کنند بلکه به ایجاد شبکه‌های همکاری و یادگیری کمک می‌کنند. مدل‌های فراگیر شهری که به‌ویژه به رفع چالش‌های اجتماعی و اقتصادی در مناطق کم‌توسعه توجه دارند، می‌توانند به کاهش فقر و تقویت کارآفرینی در این مناطق کمک کنند. این نتایج در تحقیق هی و همکاران (۲۰۱۸) به‌وضوح بیان شده است که رقابت‌ها و سیاست‌های شهری می‌توانند در شکل‌دهی و تقویت اکوسیستم‌های کارآفرینی مؤثر باشند. در نهایت، حکمرانی شهری و سیاست‌های دولتی نقش بسیار مهمی در ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی موفق ایفا می‌کنند. حکمرانی شهری باید به‌گونه‌ای باشد که از یک‌طرف رشد اقتصادی را تسهیل کند و از طرف دیگر، شرایطی را فراهم‌آورد که کسب‌وکارهای نوپا بتوانند در فضای شهری رشد کنند. براساس مطالعه لاورمن (۲۰۱۸)، حکمرانی شهری کارآفرین باید انعطاف‌پذیر باشد تا بتواند از طریق سیاست‌های مناسب، تعاملات بین سطوح مختلف دولتی، منطقه‌ای و جهانی شدن را به نفع رشد کارآفرینی هدایت کند. به‌طور کلی، مدل مفهومی شهر کارآفرین نشان می‌دهد که برای موفقیت کارآفرینی در یک شهر، این مؤلفه‌ها باید به‌طور هم‌زمان و هماهنگ تقویت شوند. هر یک از این اجزا می‌تواند تأثیر مستقلی بر رشد کارآفرینی داشته باشد اما زمانی که این عوامل به‌طور یکپارچه در کنار یکدیگر عمل کنند، اثرهای بیشتری خواهند داشت. این هم‌افزایی می‌تواند از طریق سیاست‌های هماهنگ و یکپارچه بین بخش‌های مختلف دولتی، خصوصی و جامعه مدنی ایجاد شود. در نهایت، ایجاد یک مدل یکپارچه و جامع از سیاست‌های شهری می‌تواند به رشد کارآفرینی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در شهرها کمک کند.



شکل ۲- مدل مفهومی شهر کارآفرین

(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

در مدل‌های مفهومی کارآفرینی شهری، صرف شناسایی اجزای کلیدی مانند: «تقاضا»، «استعداد انسانی»، «منابع مالی» و «حکمرانی شهری» کافی نیست بلکه نحوه تعامل این اجزا و کیفیت پیوندهای آن‌هاست که موفقیت یا شکست سیاست‌ها را رقم می‌زند.

بحث

مقاله حاضر با هدف تحلیل مدل‌های سیاست‌گذاری در زمینه شهرهای کارآفرین، به شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های کلیدی و چالش‌های موجود در اکوسیستم‌های کارآفرینی شهری پرداخته است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که برای تقویت کارآفرینی در سطح شهری، مؤلفه‌هایی مانند: تقاضا، استعداد، امور مالی، محیط اجتماعی و فرهنگی، رقابت‌های استارت‌آپ، مدل‌های فراگیر شهری و حکمرانی شهری نقش کلیدی دارند. علاوه بر این، تراکم و تنوع شهری نیز تأثیرات مثبتی بر رشد کارآفرینی دارند که در مطالعات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. این نتایج همراستا با نتایج دیگر مطالعات برای تأثیر مثبت استعداد (نیتو-آلمان^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ راتن و فریرا^۲، ۲۰۱۶)، فرهنگ (کولینگ و لی^۳، ۲۰۱۷)، عوامل اجتماعی (دیویس^۴، ۲۰۰۲) و عوامل مالی (شاکنوف^۵، ۲۰۱۷) بر تقویت کارآفرینی است. مطالعات مختلف در این حوزه، از جمله تحقیق کویسنر و همکاران (۲۰۲۴) به این نتیجه رسیده‌اند که تقاضا و استعداد از مهم‌ترین عوامل موفقیت کارآفرینی در سطح شهری هستند. این تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که تعامل این عوامل با یکدیگر و با سایر مؤلفه‌ها، می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای توسعه کارآفرینی فراهم کند. به‌طور خاص، تأمین نیروی انسانی ماهر و دسترسی به منابع مالی در مراحل ابتدایی راه‌اندازی کسب‌وکار از عوامل حیاتی برای رشد کارآفرینی است. همچنین، رقابت‌های استارت‌آپ به‌عنوان ابزاری مؤثر در سیاست‌گذاری کارآفرینی شهری شناخته می‌شوند. مطالعه استولز (۲۰۲۲) تأکید کرده است که این رقابت‌ها نه تنها موجب ایجاد فرصتی برای نمایش ایده‌های نوآورانه می‌شوند بلکه به کارآفرینان امکان شبکه‌سازی و یادگیری از تجربیات یکدیگر را فراهم می‌کنند. در این راستا، سیاست‌گذاری‌های شهری باید از رقابت‌های استارت‌آپ به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای تقویت اکوسیستم کارآفرینی بهره‌برداری کنند. همچنین، براساس تحقیق شکیبا و همکاران (۲۰۲۲) مدل‌های فراگیر شهری که به رفع چالش‌های اجتماعی و اقتصادی در مناطق کم‌توسعه شهری توجه دارند، می‌توانند در کاهش فقر و تقویت کارآفرینی در این مناطق مؤثر باشند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اکوسیستم‌های کارآفرینی باید نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی بلکه بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز تمرکز کنند تا به توسعه‌ای پایدار دست یابند. این یافته‌ها با مباحث باتلیانا و همکاران (۲۰۱۴) نیز قابل تطبیق است که بر ضرورت طراحی سازوکارهای ترکیبی در سیاست‌گذاری برای پاسخ هم‌زمان به اهداف اقتصادی و مأموریت‌های اجتماعی تأکید دارند. از سوی دیگر، نتایج تحقیق توسلی و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که تراکم و تنوع شهری می‌تواند تأثیر زیادی بر رشد کارآفرینی داشته باشد. در شهرهایی با تراکم بالای جمعیت و تنوع فرهنگی و اجتماعی، فرصت‌های بیشتری برای نوآوری و رشد کسب‌وکارهای نوپا ایجاد می‌شود. این مطالعات تأکید دارند که ایجاد فضایی مناسب برای کارآفرینی نیازمند

¹ Nieto-Aleman

² Ratten & Ferreira

³ Cowling & Lee

⁴ Davis

⁵ Shakhnov

⁶ Battilana

توجه به عوامل مختلفی است که می‌توانند با یکدیگر هم‌افزایی ایجاد کنند. در نهایت، حکمرانی شهری و سیاست‌های دولتی از دیگر مؤلفه‌های مهم در مدل مفهومی شهر کارآفرین هستند. طبق مطالعه لاورمن (۲۰۱۸) حکمرانی انعطاف‌پذیر شهری می‌تواند به تسهیل رشد کارآفرینی کمک کند. حکمرانی باید از یک‌طرف رشد اقتصادی را تسهیل کرده و از طرف دیگر شرایطی را فراهم آورد که کسب‌وکارهای نوپا بتوانند در فضای شهری رشد کنند. این نتایج نشان می‌دهد که یک مدل جامع برای سیاست‌گذاری کارآفرینی شهری باید تمام این مؤلفه‌ها را در نظر بگیرد و تعاملات آن‌ها را به‌طور هم‌زمان تقویت کند. همچنین، ارزیابی تأثیرات بلندمدت این سیاست‌ها ضروری است تا بتوان به‌طور مؤثرتر مدل‌های کارآفرینی شهری را طراحی و اجرا کرد. در این راستا، تحقیقات آینده باید به بررسی دقیق‌تر این تعاملات و تأثیرات بلندمدت بپردازند و مدل‌هایی برای هر نوع شهر با توجه به ویژگی‌های خاص آن‌ها پیشنهاد کنند. در مجموع، این مقاله به این نتیجه رسید که ایجاد یک مدل جامع و یکپارچه از سیاست‌های شهری می‌تواند به رشد کارآفرینی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در شهرها کمک کند. سه عنصر کلیدی؛ تقاضا، استعداد و امور مالی در موفقیت کارآفرینی در سطح شهری تأثیر اساسی دارند. این عناصر به‌طور مستقیم به توانمندی کارآفرینان در ایجاد کسب‌وکارهای نوپا و استفاده از فرصت‌های جدید در بازار مرتبط هستند. تقاضا به‌عنوان یک محرک اصلی برای ایجاد کسب‌وکارهای نوآورانه شناخته شده است زیرا افزایش نیاز به کالاها و خدمات جدید می‌تواند فرصتی برای استارت‌آپ‌ها و نوآوری‌ها ایجاد کند. همچنین، استعداد و منابع انسانی ماهر در ایجاد و توسعه کارآفرینی در هر شهری نقشی حیاتی دارند. به‌ویژه در شهرهای کوچک و متوسط که ممکن است منابع محدودتری داشته باشند، جذب نیروی انسانی ماهر می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای اکوسیستم کارآفرینی داشته باشد. امور مالی نیز یکی از اجزای حیاتی است که دسترسی به منابع مالی به‌ویژه در مراحل اولیه کارآفرینی می‌تواند به رشد سریع کسب‌وکارها کمک کند. علاوه بر این، رقابت‌های استارت‌آپ و مدل‌های فراگیر شهری به‌عنوان ابزارهای مؤثر در سیاست‌گذاری کارآفرینی شهری شناخته می‌شوند. رقابت‌های استارت‌آپ نه تنها به‌عنوان فرصتی برای کارآفرینان برای نمایش ایده‌های نوآورانه عمل می‌کنند بلکه می‌توانند به ایجاد شبکه‌های اجتماعی و همکاری‌های متقابل نیز کمک کنند. این رقابت‌ها فرصتی برای یادگیری از تجربیات یکدیگر و به اشتراک‌گذاری منابع فراهم می‌آورند. در این راستا، سیاست‌گذاری‌های شهری باید از رقابت‌های استارت‌آپ به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای تقویت اکوسیستم کارآفرینی بهره‌برداری کنند. در این پژوهش همچنین به محیط اجتماعی و فرهنگی شهری پرداخته شد و نشان داده شد که این عامل می‌تواند به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های کارآفرینانه تأثیرگذار باشد. محیط اجتماعی که از کارآفرینان حمایت می‌کند، می‌تواند موجب تسهیل فرآیند کارآفرینی و کاهش موانع اجتماعی و فرهنگی موجود شود. مطالعه شکيبا و همکاران (۲۰۲۲) بر اهمیت اکوسیستم‌های کارآفرینی شهری فراگیر تأکید کرده‌اند که با فراهم‌کردن فرصت‌های یادگیری و همکاری، به ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی مؤثر برای کارآفرینان کمک می‌کنند. همچنین، تراکم و تنوع شهری نیز تأثیر زیادی در تقویت کارآفرینی دارد. در شهرهایی که تراکم بالایی از جمعیت دارند و تنوع فرهنگی و اجتماعی بیشتری وجود دارد، فرصت‌های بیشتری برای نوآوری و رشد کسب‌وکارهای نوپا ایجاد می‌شود. این مسئله به‌ویژه در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها به‌وضوح قابل مشاهده است زیرا این شهرها بستر مناسبی برای رشد کسب‌وکارها و استارت‌آپ‌ها به‌واسطه دسترسی به منابع مختلف، شبکه‌های ارتباطی و تنوع فرصت‌ها فراهم می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نتایج این تحقیق تأکید بر لزوم ایجاد حکمرانی شهری انعطاف‌پذیر است. حکمرانی شهری باید به‌گونه‌ای طراحی شود که از

یک طرف رشد اقتصادی را تسهیل کند و از طرف دیگر، شرایطی را فراهم آورد که کسب و کارهای نوپا بتوانند در فضای شهری رشد کنند. براساس مطالعه لاورمن (۲۰۱۸) حکمرانی شهری باید تعاملات بین سطوح مختلف دولتی، منطقه‌ای و جهانی شدن را به طور مؤثر هدایت کند. حکمرانی مؤثر می‌تواند به ایجاد بسترهای مناسب برای کارآفرینان در تمام سطوح شهرها منجر شود و چالش‌های اقتصادی را از میان بردارد. در نهایت، مدل‌های سیاست‌گذاری شهری باید به طور جامع و یکپارچه طراحی شوند. این مدل‌ها باید ویژگی‌های خاص هر شهر را در نظر بگیرند و تأثیرات بلندمدت سیاست‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. برای تحقق این هدف، ضروری است که سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در یک چارچوب هماهنگ و یکپارچه اجرا شوند. این امر به ویژه در شهرهای کوچک و متوسط که ممکن است به منابع محدودتری دسترسی داشته باشند، حائز اهمیت است.

مقایسه و تطبیق نتایج مدل پیشنهادی با مطالعات قبلی نشان می‌دهد که مدل‌های سیاست‌گذاری شهری در بسیاری از موارد به عواملی چون: تقاضا، منابع انسانی، امور مالی، رقابت‌های استارت‌آپ و محیط اجتماعی توجه داشته‌اند. این نتایج هم‌راستا با نتایج مطالعات دیگران برای تأثیر منابع انسانی (تایت، ۲۰۱۱؛ باتاگلیو و همکاران، ۲۰۱۷)، امور مالی (سانفلیسی و هالبرت، ۲۰۱۹؛ آشفورد، ۲۰۲۳)، محیط (کوربورن، ۲۰۰۳) و رقابت (کافمن، ۲۰۲۰) بر روی سیاست‌گذاری شهری است. در این راستا، برخی مطالعات مانند کویسنر و همکاران (۲۰۲۴) به اهمیت تقاضا، استعداد و منابع مالی در موفقیت کارآفرینی شهری تأکید کرده‌اند در حالی که تحقیقات دیگر مانند استولز (۲۰۲۲) نقش رقابت‌های استارت‌آپ را به عنوان ابزاری مؤثر در تقویت اکوسیستم‌های کارآفرینی مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین، مطالعه شکیبیا و همکاران (۲۰۲۲) به تحلیل سیاست‌های کارآفرینی فراگیر پرداخته و بر لزوم توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های شهری تأکید کرده‌اند. این در حالی است که مدل پیشنهادی در این مقاله نیز تأکید ویژه‌ای بر هم‌افزایی و تعامل بین این عناصر دارد و به طور خاص از رویکردی جامع برای تحلیل و ارزیابی این عوامل در سطح شهری بهره می‌برد. در همین راستا، برای روشن‌تر ساختن مفهوم تعامل میان مؤلفه‌ها، می‌توان به چند سناریوی مفهومی اشاره کرد. برای مثال؛ در شهری متوسط با نیروی انسانی مستعد اما دسترسی محدود به منابع مالی، عدم تأمین مالی کافی ممکن است به مهاجرت نخبگان منجر شود اما ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر می‌تواند تعامل مثبت این دو مؤلفه را فعال کرده و به راه‌اندازی استارت‌آپ‌های دانشگاه‌محور بینجامد. در کلان‌شهرهایی با تنوع فرهنگی، تعامل تقاضا با تنوع اجتماعی، بستر مناسبی برای کسب و کارهای نوآور مبتنی بر خدمات محلی و فرهنگی فراهم می‌آورد. همچنین، در شهرهای کوچک با منابع محدود، اما حکمرانی محلی فعال، تعامل میان سیاست‌گذاران و ظرفیت‌های محلی می‌تواند از طریق رویدادهای حمایتی مانند جشنواره‌های نوآوری، به فعال‌سازی تعامل منابع موجود و استعدادهای بومی منجر شود. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که اثرگذاری نهایی مدل‌ها نه فقط به حضور مؤلفه‌ها بلکه به کیفیت و ساختار تعامل میان آن‌ها بستگی دارد. در مقایسه با مدل‌های پیشین، این مدل بر لزوم توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و زیرساختی علاوه بر جنبه‌های اقتصادی تأکید دارد. همچنین، در مقایسه با مطالعاتی که بیشتر به تحلیل‌های کوتاه‌مدت

¹ Thite

² Battaglio

³ Sanfelici & Halbert

⁴ Ashford

⁵ Corburn

⁶ Kaufmann

پرداخته‌اند، این مدل به تأثیرات بلندمدت سیاست‌ها نیز توجه کرده و بر لزوم ارزیابی پیوسته و جامع سیاست‌ها تأکید می‌کند. در نهایت، مدل پیشنهادی در این مقاله می‌تواند به‌عنوان چارچوبی جامع و یکپارچه برای سیاست‌گذاری در شهرهای کارآفرین عمل کند که ویژگی‌های خاص هر شهر را در نظر گرفته و به‌طور مؤثری به تحلیل و ارزیابی این سیاست‌ها می‌پردازد.

ضرورت توجه به تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی در سیاست‌گذاری کارآفرینی شهری

با وجود اشتراک‌های مفهومی در ادبیات اکوسیستم‌های کارآفرینی شهری، شواهد نشان می‌دهد که تفاوت‌های زمینه‌ای میان شهرها از جمله تفاوت‌های فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی و جمعیتی می‌توانند به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر در عملکرد مدل‌های سیاست‌گذاری ایفای نقش کنند. به‌عبارت دیگر، اثرگذاری مؤلفه‌هایی همچون؛ تقاضا، استعداد و منابع مالی که به‌عنوان ارکان بنیادین کارآفرینی شناخته می‌شوند، در بستری یکسان اتفاق نمی‌افتد. به‌عنوان نمونه، در شهری با تنوع فرهنگی بالا، شبکه‌سازی اجتماعی و اشتراک دانش کارآفرینانه ممکن است تسهیل‌گردد در حالی که در محیط‌های همگن‌تر، شکل‌گیری این تعاملات به‌کندی صورت‌گیرد یا نیازمند مداخله‌های ساختاری باشد. همچنین، شهرهای دارای تراکم بالای جمعیتی و زیرساخت‌های فناورانه، نسبت به شهرهای کوچک‌تر با جمعیت پراکنده و منابع محدود، ظرفیت متفاوتی در جذب و پشتیبانی از فعالیت‌های نوآورانه دارند؛ از این‌رو، یک سیاست کارآفرینانه که در یک شهر موفق عمل کرده، الزاماً در شهری دیگر با ویژگی‌های بومی متفاوت نتایج مشابهی به‌همراه نخواهد داشت؛ بنابراین، غفلت از تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی در تحلیل سیاست‌ها و ارائه مدل‌های سیاست‌گذاری، می‌تواند به‌تعمیم‌های نادرست و راهکارهای غیربومی منجر شود. طراحی مؤثر سیاست‌ها، مستلزم شناخت دقیق از ویژگی‌های محلی، سازوکارهای اجتماعی و ظرفیت‌های فرهنگی هر شهر است؛ امری که ضرورت انعطاف‌پذیری مدل‌های سیاستی و تقویت رویکردهای منطقه‌محور را بیش‌ازپیش برجسته می‌سازد.

انطباق مدل مفهومی سیاست‌گذاری کارآفرینی با انواع شهرها

هرچند در این پژوهش، چارچوب مفهومی جامعی برای سیاست‌گذاری در شهرهای کارآفرین ارائه شده است اما سیاست‌های کارآفرینی، در عمل، به‌شدت تحت‌تأثیر مقیاس شهری و ویژگی‌های ساختاری آن قراردارند. تفاوت در ظرفیت نهادی، زیرساخت‌های اقتصادی، منابع مالی، سطح سرمایه اجتماعی و میزان تنوع فرهنگی، باعث می‌شود که یک سیاست واحد نتواند به‌طور یکسان در شهرهای کوچک، متوسط یا کلان‌شهرها پیاده‌سازی شود. در این راستا، تحلیل تطبیقی میان انواع شهرها نشان می‌دهد که برای موفقیت در پیاده‌سازی مدل‌های کارآفرینی، سیاست‌ها باید به‌صورت پله‌ای و متناسب با سطح پیچیدگی و توانمندی‌های شهری طراحی شوند. به‌عبارت دیگر، سیاست‌گذار باید به‌جای نسخه‌پردازی یکسان، از یک مدل مفهومی تطبیقی بهره‌گیرد که قابلیت بومی‌سازی برای شرایط متنوع شهری را فراهم‌آورد. در جدول زیر، یک تطبیق مفهومی میان اجزای مدل و ویژگی‌های سه مقیاس شهری ارائه شده است:

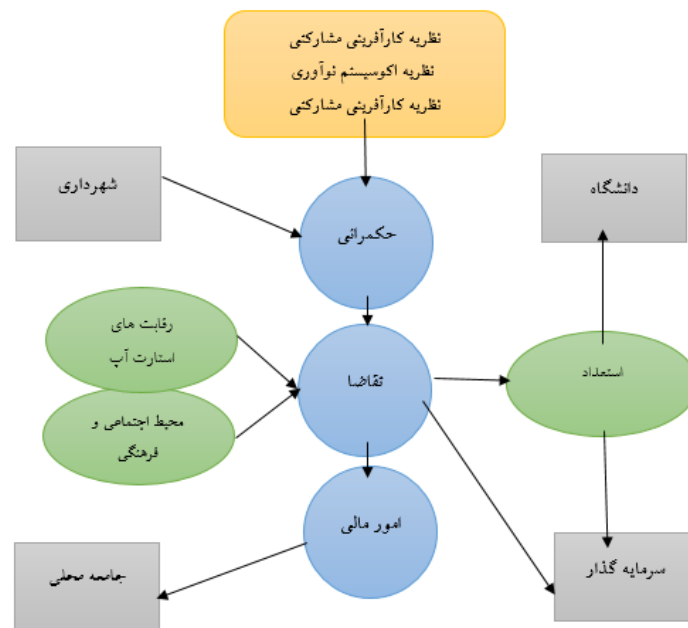
جدول ۲: انطباق مفهومی مدل سیاست‌گذاری کارآفرینی با انواع شهرها

عنصر مدل مفهومی	شهر کوچک	شهر متوسط	کلان شهر
تقاضا	تقاضای محدود، نیاز به تحریک بازار	تقاضای نسبی فعال، نیازمند تقویت ارتباطات منطقه‌ای	تقاضای گسترده و پویا با بازارهای پیچیده
استعداد/منابع انسانی	کمبود نیروی متخصص، وابستگی به مهاجرت نخبگان	نیروی انسانی بومی با قابلیت رشد	تمرکز نیروی انسانی متخصص، فضای رقابتی بالا
منابع مالی	دسترسی محدود، وابسته به حمایت‌های دولتی	دسترسی متوسط با حضور نهادهای نیمه‌خصوصی	تنوع منابع مالی، حضور سرمایه‌گذاران خطرپذیر
محیط اجتماعی-فرهنگی	فرهنگ سنتی‌تر، اعتماد اجتماعی بالا اما نوآوری‌گریزی	فرهنگ نیمه‌مدرن، ظرفیت آموزش‌پذیری	فرهنگ متنوع و باز، پذیرش نوآوری بالا
حکمرانی شهری	ساختار ساده، ظرفیت نهادی ضعیف‌تر	ساختار اداری تثبیت‌شده، ولی کند	ساختار پیچیده ولی دارای تجربه‌های سیاستی مترکم
سیاست‌های مناسب پیشنهادی	مشوق‌های مالی، آموزش عمومی، نهادسازی ابتدایی	سیاست‌های شبکه‌سازی، آموزش تخصصی، زیرساخت فناوری	تقویت خوشه‌های نوآوری، تسهیل‌گری مالی، رقابت بین‌المللی

(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

چارچوب نظری پیشنهادی مدل سیاست‌گذاری شهر کارآفرین

این مدل مفهومی با تکیه بر نظریه‌های کارآفرینی مشارکتی و اکوسیستم نوآوری نشان می‌دهد که حکمرانی به‌عنوان عنصر محوری، نقشی میانجی و تنظیم‌کننده میان نهادهای رسمی، منابع انسانی و مالی و شرایط محیطی ایفای کند؛ به این معنا که حکمرانی از یک سو تحت تأثیر شهرداری به‌عنوان نهاد اجرایی شهری و از سوی دیگر در پیوند مستقیم با دانشگاه‌ها و سرمایه‌گذاران قرارداد که به ترتیب نقش تولیدکننده و پرورش‌دهنده استعداد و همچنین تأمین‌کننده امور مالی را بر عهده دارند و در سطحی دیگر جامعه محلی نیز به‌عنوان ذی‌نفع نهایی در این سازوکار حضور دارد. در درون این ساختار، تضادها به‌عنوان نقطه تمرکز تعاملات نهادی شکل می‌گیرند که هم از استعدادهای انسانی و امور مالی تأثیر می‌پذیرند و هم در ارتباط متقابل با محیط اجتماعی و فرهنگی و رقابت‌های استراتژی قراردادارند؛ به عبارتی، تضادها همان فضایی هستند که نیروهای متعارض ناشی از ظرفیت‌های نهادی، اجتماعی و اقتصادی در آن تلاقی می‌کنند و بستر نوآوری و تغییر را فراهم می‌آورند. در این میان، حکمرانی با هدایت و مدیریت این تضادها، شرایط را برای تبدیل استعدادها و منابع مالی به فرصت‌های کارآفرینانه مهیا کرده و از طریق بهره‌گیری از رقابت‌های استراتژی و ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی جامعه محلی، چرخه‌ای از هم‌افزایی میان نهادهای رسمی و محیط شهری را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، مدل نشان می‌دهد که حکمرانی نه تنها به‌مثابه حلقه وصل نهادهای رسمی (شهرداری، دانشگاه و سرمایه‌گذار) با جامعه محلی عمل می‌کند بلکه با ایجاد تعادل میان تضادها، بستری برای شکوفایی استعدادها، هدایت سرمایه و ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی-فرهنگی فراهم می‌آورد و بدین‌وسیله مسیر حرکت به‌سوی کارآفرینی شهری و توسعه پایدار را هموار می‌سازد.



شکل ۳- چارچوب مفهومی پیشنهادی مدل سیاست‌گذاری شهر کارآفرین
(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۳)

نتیجه‌گیری

نتایج فراتحلیل حاضر نشان می‌دهد که مدل مفهومی «شهر کارآفرین» می‌تواند به‌عنوان چارچوبی جامع برای تبیین پیوند میان سیاست‌های کلان، ویژگی‌های محیطی و نهادی و ظرفیت‌های انسانی و مالی در سطح شهری عمل کند. براساس تحلیل داده‌های تلفیقی، سه مؤلفه بنیادین؛ «تقاضا»، «استعداد انسانی» و «امور مالی» به‌عنوان ارکان اصلی اکوسیستم کارآفرینی شهری شناسایی شدند که در تعامل با عوامل اجتماعی-فرهنگی، تراکم و تنوع شهری، رقابت‌های استارت‌آپی و حکمرانی شهری انعطاف‌پذیر، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوآوری، خلاقیت و فرصت‌های جدید اقتصادی می‌گردند. نتایج حاکی از آن است که کارآفرینی شهری، نقشی میانجی میان ظرفیت‌های نهادی و محیطی از یک‌سو و پیامدهایی چون؛ رشد اقتصادی، رقابت‌پذیری شهری و توسعه پایدار از سوی دیگر ایفا می‌کند. اهمیت این مدل در آن است که تأکید می‌کند کیفیت تعاملات و هم‌افزایی میان اجزا از حضور مؤلفه‌ها مهم‌تر است به‌گونه‌ای که پویایی و انسجام شبکه‌ای بین بازیگران (اعم از دولت محلی، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و جامعه مدنی) شرط اصلی موفقیت سیاست‌های کارآفرینی شهری است. مقایسه با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که برخلاف رویکردهای اقتصادی‌محور، این مدل بر ضرورت توجه هم‌زمان به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و حکمرانی هوشمندانه تأکید دارد. در نتیجه، سیاست‌گذاری برای توسعه شهرهای کارآفرین باید از یک الگوی خطی و عمومی فاصله‌گرفته و به سمت رویکردی یکپارچه، بومی‌سازی‌شده و تطبیقی حرکت کند که تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی میان شهرهای کوچک، متوسط و کلان‌شهرها را در نظرگیرد. این پژوهش با برجسته کردن نقش تعاملات چندسطحی و میان‌بخشی، بر این نکته تأکید دارد که مسیر دستیابی به شهرهای کارآفرین و پایدار، نه از طریق

مداخله‌های منفرد بلکه از رهگذر حکمرانی شبکه‌ای و سیاست‌گذاری هماهنگ میان نهادهای محلی، ملی و جهانی ممکن می‌شود.

برای سیاست‌گذاران شهری پیشنهاد می‌شود، طراحی سیاست‌های توسعه کارآفرینی با رویکرد یکپارچه و بومی‌سازی شده انجام‌گیرد؛ بدین معنا که علاوه بر تقویت سه عنصر کلیدی؛ تقاضا، استعداد و منابع مالی، باید توجه ویژه‌ای به ابعاد؛ اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و حکمرانی هوشمندانه داشت. ایجاد نهادهای میانجی برای تقویت ارتباط میان دانشگاه‌ها، کسب‌وکارها و دولت‌های محلی، حمایت‌دهندگان از کارآفرینی سبز و پایدار در حوزه‌هایی چون مدیریت پسماند و انرژی و استفاده از ابزارهایی مانند رقابت‌های استارت‌آپی برای ارتقای یادگیری و شبکه‌سازی، می‌تواند مسیر حرکت به سمت شهر کارآفرین را هموار سازد. همچنین، تأکید بر شفافیت، عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندان در سیاست‌های کارآفرینی می‌تواند به افزایش مشروعیت و اثربخشی این سیاست‌ها در سطح شهری کمک کند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده بیش‌ازپیش به بررسی تعاملات میان عناصر مختلف اکوسیستم کارآفرینی شهری بپردازند زیرا صرف شناسایی مؤلفه‌ها کافی نیست و کیفیت پیوند میان آن‌ها تعیین‌کننده است. همچنین، مطالعه تطبیقی بین شهرهای کوچک، متوسط و کلان‌شهرها می‌تواند نشان‌دهنده نقش عوامل اجتماعی-فرهنگی، نهادی و اقتصادی در بافت‌های متفاوت شهری چگونه تغییر می‌کند. از سوی دیگر، بررسی اثرات بلندمدت سیاست‌ها و ابزارهای حمایتی (مانند رقابت‌های استارت‌آپی یا کارآفرینی سبز) بر پایداری اکوسیستم‌های کارآفرینی، یکی از خلأهای مهمی است که نیازمند پژوهش‌های آینده است.

منابع

اموسی، فاطمه؛ فضلی، صفر؛ آراستی، زهرا؛ الهی، سیدمجید. (۱۴۰۳). طراحی مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری. مجلس و راهبرد، ۳۱(۱۱۷)، ۲۳۳-۲۷۲.

https://nashr.majles.ir/article_581.html

ثنائی‌پور، هادی. (۱۳۹۹). فراتحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران: تجربیات گذشته و چشم‌اندازهای آینده. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰(۳۹)، ۳۸۹-۴۲۰.

https://smsnds.sndu.ac.ir/article_1042.html

دل‌انگیزان، سهراب؛ نوری، فرزانه؛ طلائی، مهدی. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های شهر کارآفرین. نشریه اقتصاد شهری، ۶(۱)، ۵۷-۶۹.

https://ue.ui.ac.ir/article_27244.html

رضوانی، عباس؛ جلالی، رضا؛ مطلبی، مسعود؛ درویش‌پور، حجت‌الله. (۱۴۰۲). طراحی الگوی سیاست و فرآیندهای توسعه کارآفرینی شهری در بستر اجتماعی شهر تهران.

https://journal.iransaei.ir/article_192404.html

سلاورزی‌زاده، محمد؛ بگ‌محمدی، علی‌اصغر؛ شیخی، حجت. (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سازمان فضایی شهر کارآفرین: مطالعه موردی شهر ایلام. مجله جغرافیا و توسعه، ۲۱(۷۰)، ۲۰۷-۲۲۴.

https://gdij.usb.ac.ir/article_7405.html

طولایی، محمد. (۱۴۰۱). شهر کارآفرین؛ گامی به سوی توسعه پایدار شهری. ماهنامه شهرداری‌ها، پیاپی ۱۳۳، ۴-۱۰.

<https://www.magiran.com/paper/2571097>

قربانی، معصومه. (۱۴۰۱). شهر کارآفرین و تجارب ۱۰ شهر موفق در جهان. ماهنامه شهرداری‌ها، پیاپی ۱۳۳، ۵۳-۶۰.

<https://www.magiran.com/paper/2571115>

موسوی، سیدعارف. (۱۴۰۱). نقش آموزش کارآفرینی در توسعه شهر کارآفرین. ماهنامه شهرداری‌ها، پیاپی ۱۳۳، ۷۲-۸۰.

<https://www.magiran.com/paper/2571119>

References

- Ashford, D. E. (Ed.). (2023). National resources and urban policy. Taylor & Francis.
<https://books.google.dk/bookse> .
- Audretsch, D. B., Belitski, M., & Desai, S. (2021). National business regulations and city entrepreneurship in Europe: A multilevel nested analysis. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 45(3), 592-621.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1042258718774916> .
- Battaglio, P., French, P. E., & Goodman, D. (2017). Contracting out for municipal human resources: Analyzing the role of human capital in the make or buy decision. *Public Administration Quarterly*, 41(2), 297-333.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/073491491704100206> .
- Battilana, J., & Lee, M. (2014). Advancing research on hybrid organizing – Insights from the study of social enterprises. *Academy of Management Annals*, 8(1), 397-441.
<https://journals.aom.org/doi/abs/10.5465/19416520.2014.893615> .
- Biddulph, M. (2011). Urban design, regeneration and the entrepreneurial city. *Progress in planning*, 76(2), 63-103.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0305900611000377> .
- Corburn, J. (2003). Bringing local knowledge into environmental decision making: Improving urban planning for communities at risk. *Journal of planning education and research*, 22(4), 420-433.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0739456x03022004008> .
- Cowling, M., & Lee, N. (2017). How entrepreneurship, culture and universities influence the geographical distribution of UK talent and city growth. *Journal of Management Development*, 36(2), 178-195.
<https://doi.org/10.1108/JMD-03-2016-0043> .
- Dannestam, T. (2004). The theories and politics of entrepreneurial cities-a theoretical summing up and the next step forward. In *Nordic Sociology Congress*, 2004.
<https://portal.research.lu.se/en/publications/the-theories-and-politics-of-entrepreneurial-cities-a-theoretical> .
- Davidson, K., & Gleeson, B. (2014). The sustainability of an entrepreneurial city?. *International Planning Studies*, 19(2), 173-191.
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13563475.2014.880334> .
- Davis, S. M. (2002). Social entrepreneurship: Towards an entrepreneurial culture for social and economic development. Available at SSRN 978868.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=978868 .
- Fainstein, S. S. (1996). The changing world economy and urban restructuring. In S. Fainstein & S. Campbell (Eds.), *Readings in Urban Theory*. Malden: Blackwell Publishers.
<https://books.google.dk/books?hl=en&lr=&id=> .

- Fernandez-Guadaño, J., Lopez-Millan, M., & Sarria-Pedroza, J. (2020). Cooperative entrepreneurship model for sustainable development. *Sustainability*, 12(13), 5462.
<https://doi.org/10.3390/su12135462>.
- Harvey, D. (1989). From managerialism to entrepreneurialism: The transformation in urban governance in late capitalism. *Geografiska Annaler*, 71(1), 3-17.
<https://doi.org/10.1080/04353684.1989.11879583>.
- He, S., Li, L., Zhang, Y., & Wang, J. (2018). A small entrepreneurial city in action: Policy mobility, urban entrepreneurialism, and politics of scale in Jiyuan, China. *International Journal of Urban and Regional Research*, 42(4), 684-702.
<https://doi.org/10.1111/1468-2427.12631>.
- Hubbard, P. (1996). Urban design and city regeneration: Social representations of entrepreneurial landscapes. *Urban Studies*, 33(8), 1441-1462.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1080/0042098966745>.
- Iansiti, M., & Levien, R. (2004). *Strategy as ecology*. Harvard Business Review.
<https://www.pickardlaws.com/myleadership/myfiles/rtdocs/free/old/Strategy%20as%20ecology.pdf>.
- Jacobides, M. G., Cennamo, C., & Gawer, A. (2018). Towards a theory of ecosystems. *Strategic management journal*, 39(8), 2255-2276.
<https://doi.org/10.1002/smj.2904>.
- Jessop, B., & Sum, N. L. (2000). An entrepreneurial city in action: Hong Kong's emerging strategies in and for (inter) urban competition. *Urban studies*, 37(12), 2287-2313.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1080/00420980020002814>.
- Kaufmann, D. (2020). Capital cities in interurban competition: Local autonomy, urban governance, and locational policy making. *Urban Affairs Review*, 56(4), 1168-1205.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1078087418809939>.
- Lauermann, J. (2018). Municipal statecraft: Revisiting the geographies of the entrepreneurial city. *Progress in human geography*, 42(2), 205-224.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0309132516673240>.
- Leitner, H., & Sheppard, E. (1998). Economic uncertainty, inter-urban competition and the efficacy of entrepreneurialism. In T. Hall & P. Hubbard (Eds.), *The Entrepreneurial City: Geographies of Politics, Regime and Representation*. Chichester: John Wiley & Sons.
https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as_sdt=0%2C5&q=.
- Nieto-Aleman, P. A., Ulrich, K., Guijarro-García, M., & Pagán-Castaño, E. (2023). Does talent management matter? Talent management and the creation of competitive and sustainable entrepreneurship models. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 19(3), 1055-1068.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s11365-023-00833-w>.
- Penco, L., Ivaldi, E., Bruzzi, C., & Musso, E. (2019). Entrepreneurship and the cities in a knowledge-based perspective: evidences from EU. *EuroMed Journal of Business*, 14(3), 189-208.
<https://doi.org/10.1108/EMJB-11-2018-0076>.
- Pereyra, J. A. C. (2019). Entrepreneurship and the city. *Geography Compass*, 13(12), e12471.
<https://compass.onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/gec3.12471>.
- Pierre, J. (2005). Comparative urban governance: Uncovering complex causalities. *Urban affairs review*, 40(4), 446-462.

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1078087404273442>.

Pierre, J. (2014). Can urban regimes travel in time and space? Urban regime theory, urban governance theory, and comparative urban politics. *Urban affairs review*, 50(6), 864-889.

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1078087413518175>.

Queissner, M., Stolz, L., & Weiss, M. (2024). A meta-analysis of entrepreneurial ecosystem elements and entrepreneurial activity. *Small Business Economics*, 1-31.

<https://link.springer.com/article/10.1007/s11187-024-00953-9>.

Ratten, V., & Ferreira, J. (2016). Global talent management and corporate entrepreneurship strategy. In *Global talent management and staffing in MNEs* (pp. 151-165). Emerald Group Publishing Limited.

<https://doi.org/10.1108/S1876-066X20160000032006>.

Rezazadeh, A., & Nobari, N. (2018). Antecedents and consequences of cooperative entrepreneurship: A conceptual model and empirical investigation. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 14(2), 479-507.

<https://link.springer.com/article/10.1007/s11365-017-0470-7>.

Sanfelici, D., & Halbert, L. (2019). Financial market actors as urban policy-makers: the case of real estate investment trusts in Brazil. *Urban Geography*, 40(1), 83-103.

<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/02723638.2018.1500246>.

Shakhnov, K. (2017). The allocation of talent: Finance versus entrepreneurship. Available at SSRN 3109910.

https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3109910.

Shakiba, H., Delangizan, S., & Mohamadifar, Y. (2022). Inclusive urban entrepreneurial ecosystem policies: An application of the meta-synthesis approach. *Poverty & Public Policy*, 14(4), 342-380.

<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/pop4.356>.

Short, J. R., & Kim, Y.-H. (1999). *Globalization and the City*. Harlow: Pearson Education Limited.

<https://www.torrossa.com/en/resources/an/4913694#page=206>.

Stam, E. (2015). *Entrepreneurial ecosystems and regional policy: A sympathetic critique*. European Planning Studies.

<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09654313.2015.1061484>.

Stolz, L. (2022). Enabling entrepreneurship at the regional level: An analysis of entrepreneurial ecosystems and their elements using a meta-analysis and an in-depth study of start-up competitions.

<https://repo.uni-hannover.de/items/fe8842e5-923d-43cd-bebe-de4c390af862>.

Tavassoli, S., Obschonka, M., & Audretsch, D. B. (2021). *Entrepreneurship in cities*. *Research Policy*, 50(7), 104255.

<https://doi.org/10.1016/j.respol.2021.104255>.

Teece, D. (2007). *Explicating dynamic capabilities: The nature and microfoundations of (sustainable) enterprise performance*. *Strategic Management Journal*.

<https://sms.onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/smj.640>.

Thite, M. (2011). Smart cities: implications of urban planning for human resource development. *Human Resource Development International*, 14(5), 623-631.

<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13678868.2011.618349>.

Tsujimoto, M., Kajikawa, Y., Tomita, J., & Matsumoto, Y. (2018). A review of the ecosystem concept—Towards coherent ecosystem design. *Technological forecasting and social change*, 136, 49-58.

<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2017.06.032>.